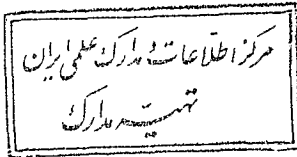


دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی

۱۳۷۳ / ۱۱ / ۱۶



نگرشی بر

تعادل همزمان طرف تقاضا

در اقتصاد اسلامی

هادی عربی

۱۹۹۱۹

استاد راهنما: حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به روح پرفتوح بنيانگذار جمهوری اسلامی احياءگر
اسلام و ايران، حضرت آية الله العظمى السيد روح الله
الموسوى الخمينى قدس الله نفسه الزكية و حشره الله مع
انبيائه و اوليائه عند مليك مقتدر.

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول: بیان تفصیلی مسأله

- ۱-۱ اقتصاد اسلامی چیست؟ ۱۰
- ۱-۲ جایگاه ارزش‌ها در نظریات اقتصادی ۱۲
- ۱-۳ تشریح مسأله ۱۷
- ۱-۴ دورنمای تحقیق ۲۰

فصل دوم: نظریه مصرف

- ۲-۱ نظریه مصرف کینز (نظریه درآمد مطلق) ۲۳
- ۲-۲ نظریه درآمد نسبی ۲۸
- ۲-۳ مصرف و ارزش فعلی درآمد (تحلیل فیشر) ۳۲
- ۲-۴ نظریه درآمد دائمی ۳۵
- ۲-۵ نظریه دوران زندگی ۴۰
- ۲-۶ تابع مصرف کل در چهارچوب اسلامی: نظریه پرفسور فهیم خان ۴۵
- ۲-۷ نظریه شتاب مصرفی ۵۰
- ۲-۸ انواع مخارج مصرفی ۵۶
- ۲-۹ عوامل موثر بر مصرف ۵۷

- ۱۰-۲ انواع مصارف به اعتبار حکم شرعی آن ۵۹
- ۱۱-۲ استخراج الگوی مصرف مورد نظر ۶۳

فصل سوم: تقاضای سرمایه گذاری

- مقدمه ۶۷
- ۱-۳-۱ ملاک کارآیی نهایی سرمایه ۶۹
- ۲-۳-۲ ملاک ارزش فعلی سرمایه گذاری ۷۲
- ۳-۳-۳ رابطه بین سرمایه گذاری و تولید ۷۶
- ۴-۳-۴ تابع سرمایه گذاری در اقتصاد اسلامی (نظریه مندرقحف) ۷۷
- ۵-۳-۵ الگوی سرمایه گذاری در اقتصاد بدون ربا (نظریه آقای مرزبان) ۸۳
- ۶-۳-۶ سرمایه گذاری در مدل PLS (تامین مالی از طریق مشارکت) ۹۱
- ۷-۳-۷ سرمایه گذاری و پس انداز در اقتصاد صدر اسلام (نظریه آقای دکتر صدر) ۹۵
- ۸-۳-۸ عوامل موثر به سرمایه گذاری ۱۰۵
- ۹-۳-۹ عقود اسلامی یا قرار دادهای مشارکت ۱۰۶
- ۱۰-۳-۱۰ اقسام تولید بلحاظ حکم شرعی ۱۱۰
- ۱۱-۳-۱۱ اقسام تولید بلحاظ انگیزه تولید و استخراج الگوی مورد نظر ۱۱۱

فصل چهارم: تقاضای پول

- مدخل ۱۱۸
- ۱-۴ نظریه تقاضای پول کینز ۱۱۹
- ۲-۴ نظریه رجحان نقدینگی توبین ۱۲۴
- ۳-۴ نظریه پولی فریدمن ۱۳۱
- ۴-۴ تقاضای پول در اقتصاد بدون ربا (نظریه آقای مرزبان) ۱۳۲
- ۵-۴ مبانی تقاضای پول در اقتصاد اسلامی (نظریه آقای لطیف) ۱۳۶
- ۶-۴ برخی از احکام فقهی مربوط به پول، ربا، اسناد تجاری و اوراق بهادار ۱۴۵

- ۴-۷ حدود بازار دارایی و استخراج الگوی مورد نظر ۱۴۹
- ۴-۸ نکاتی برای بحث ۱۵۷

فصل پنجم: تعادل همزمان بازار کالا و پول

- مقدمه ۱۶۱
- ۵-۱ بازار کالا و استخراج منحنی تعادل بازار کالا در الگوی اسلامی ۱۶۳
- ۵-۲ بازار دارایی و استخراج منحنی LM در الگوی اسلامی ۱۷۱
- ۵-۳ تعادل همزمان بازار پول و کالا در الگوی ربوی ۱۷۸
- ۵-۴ تعادل همزمان بازار پول و کالا در الگوی اسلامی ۱۸۱
- ۵-۵ خروج از تعادل و بازگشت به تعادل در الگوی اسلامی ۱۸۳
- ۵-۶ نکاتی برای بحث ۱۸۶
- خاتمه ۱۸۸
- منابع و مآخذ ۱۹۲

مقدمه:

مطالعات پیرامون نظام اقتصاد اسلامی، یعنی تحقیقات مربوط به نحوه مالکیت افراد و عموم مردم یا حاکم اسلامی، حدود دخالت دولت در اقتصاد، حدود آزادی فعالیتهای اقتصادی افراد،... به شکل مدون، بجز چند اثر انگشت شمار که در قرن اخیر تدوین یافته، وجود نداشته است، ولی با این حال می توان ادعا نمود که بسیاری از کلیات مباحث آن در لابلای آثار متفکران و عالمان اسلام وجود داشته است.

اما مطالعات اقتصاد اسلامی برای دستیابی به ابزاری مناسب جهت تحلیل روابط اقتصادی مسلمانان بسیار نادر است، مسلماً برای این مسأله علل بسیار وجود دارد که ما در پی بررسی و یافتن آنها نیستیم، ولی به یقین چنین مطالعاتی امروزه ضرورت انکار ناپذیری یافته است. گذشته از اینها پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی، اعلی الله مقامه الشریف، و برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران، ضرورت مطالعات تحلیلی در اقتصاد اسلامی را بر همگان آشکار نموده است.

اگر چه انتظار می رفت که از همان روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی عالمان و متفکران مسلمان بفوریت اقدام به تحقیقات بنیادی و کاربردی نمایند، ولی افسوس و صد افسوس که چنین انتظاری جز در مدتی کوتاه و حوزه ای محدود جامه عمل نپوشید. و ای کاش همان حوزه محدود با قوت ادامه می یافت. ای کاش حداقل به ضرورت تربیت محقق برای بدوش کشیدن این بار سنگین واقف می شدیم و در این وادی گام می زدیم. اگر در سالهای اولیه بازگشایی دانشگاهها پس از انقلاب فرهنگی بخشی از تحقیقات دانشگاهی در قالب پایان نامه و ... مباحث اسلامی را شامل می شد، بعدها بدلایلی که اینجا جای ذکرش نیست، این چشمه نیز به کم آبی گرائید.

به هر حال زمان لجام از دست ما ربود و متجاوز از ۱۵ بهار بر انقلاب اسلامی گذشت و حسرت بسیج علمی در تحقیقات اسلامی بر دلها حیرت زده خشکید، و داغ این حسرت بود که ما را بدین وادی کشید

وگرنه سزاوار نبود که نگارنده سطور با این بضاعت اندک در این میدان وارد شود. اما عشق، عقل را به کناری نهاد و قلم به دستم داد و قلم بدست گرفتم بدان امید که متفکران و عالمان مسلمان از طرفی مشفقانه جسارت و گستاخیم را با دیده اغماض بنگرند و از سوی دیگر از سر غیرت و تعصب و پاسداری از حریم اسلام با تیز بینی مطالب را ارزیابی کنند و فاتح تحقیقات جدی در این زمینه باشند.

از آنجا که متأسفانه جامعه ما هنوز تجسم کامل فرهنگ اسلامی نیست، تحقیق نمی‌تواند کاربردی باشد، بلکه روش تحقیق نیز نمی‌تواند تجربی باشد، لذا این تحقیق اولاً نظری است و ثانیاً بر اساس روش قیاسی دنبال می‌شود. چنانکه بر آگاهان پوشیده نیست، تحقیقات در این زمینه بسیار نادر است و از حد مقالاتی محدود، موردی و پراکنده تجاوز نمی‌کند و این خود بر مشکلات تحقیق می‌افزاید. امید است این تحقیق دست کم گامی در جهت روشن کردن نقاط ابهام و پیچیدگیهای موضوع بوده، تا حدودی راهگشای تحقیقات اساسی باشد.

بنابراین فصل اول به بیان تفصیلی مسأله اختصاص یافته است. این فصل شامل تشریح مسأله و حدود آن، اهداف و فرضیات تحقیق و سرانجام دورنمای تحقیق است.

فصول دوم تا پنجم، به ترتیب متکفل بحث درباره مصرف، تقاضای سرمایه گذاری، تقاضای پول و تعادل همزمان بازار پول و محصول است. در پایان تحت عنوان خاتمه مروری مختصر و اجمالی به کلیه مطالب ارائه شده با توجه به فرضیات تحقیق خواهیم داشت.

فصل اول

بیان تفصیلی مسأله

۱-۱ اقتصاد اسلامی چیست؟

اگر بخواهیم تعاریف مختلفی که در مورد اقتصاد توسط اندیشمندان ذکر شده، ارائه و بررسی کنیم، باید چندین صفحه از این رساله را به این امر اختصاص داده و به ظن غالب در پایان نیز نه تنها موضوع روشن تر نشده، بلکه ابهامات بسیاری هم رخ خواهد نمود. بنابراین در مورد اقتصاد اسلامی نیز وضع از این بهتر نخواهد بود. حال سؤال این است که بنابراین منظور از عنوان مذکور چه خواهد بود؟ در حقیقت عنوان مذکور برای این است که بیان کنیم در این رساله منظور از اقتصاد اسلامی چیست و چه چیزی اراده شده است. بدین منظور ابتدا باید روشن شود قید اسلامی به نظام اقتصادی برمی‌گردد یا به علم اقتصاد، یعنی کدامیک می‌تواند وجود داشته باشد؟ هر دو؟ یکی؟ هیچ کدام؟ و در صورت وجود آنچه در این رساله مورد نظر است کدام است.

الف) نظام اقتصادی

در مورد اینکه نظام اقتصادی می‌تواند اسلامی یا غیر اسلامی باشد، تردیدهای کمتری وجود دارد، زیرا اقتصاد دانان اگر چه باید و نبایدهای ارزشی را از محدوده علم اقتصاد اثباتی خارج می‌دانند، ولی این را که در نظام اقتصادی باید و نبایدهای ارزشی راه می‌یابد، انکار نمی‌کنند، چرا که نظام اقتصادی در ارتباط با ماهیت زندگانی اقتصادی به عنوان یک مجموعه شکل می‌گیرد، بویژه مسائلی از قبیل طرز تملک، استفاده از مالکیت، حدود مالکیت (خصوصی یا دولتی)، حدود دخالت دولت، ... از اهم مواردی است که یک نظام اقتصادی را شکل می‌بخشد.^۱

۱- منوچهر فرهنگ، فرهنگ علوم اقتصادی؛ تهران: انتشارات آزاده، ۱۳۶۶، ص ۳۵۸.

بنابراین روشن است که نظامهای اقتصادی حاوی بایدها و نبایدهای ارزشی و مکتبی است، به همین لحاظ نیز نظامها به سرمایه‌داری، سوسیالیستی و اسلامی تقسیم می‌شود. به هر حال نظام اقتصادی اسلام به عنوان "مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها که روابط اقتصادی جامعه را در جهت تحقق عدالت و آرمانهای متعالی زندگی انسان هدایت کرده و سازمان می‌بخشد." تعریف شده است.^۱

ب) علم اقتصاد

در مورد علمی^۲ بودن علوم انسانی و از جمله اقتصاد، بین دانشمندان نظرات مختلفی وجود دارد، برخی علوم انسانی را به خاطر ارتباط آنها با موجودی به نام انسان که دارای اراده و اختیار است از زمره علوم تجربی خارج می‌دانند، بنابراین علوم انسانی تجربی خود مورد تردید است تا چه رسد به اینکه پسوند اسلامی هم داشته باشد، که در این صورت تردیدها بیشتر خواهد شد. به هر حال ما در اینجا قصد طرح این مباحث را نداریم.^۳ و از حد این رساله خارج است و خود رساله‌ جدایی را می‌طلبید، ولی ما در اینجا نظر کسانی را که قائل به وجود علم انسانی اسلامی هستند به عنوان اصل موضوع می‌پذیریم ولی باید بدانیم علم اقتصاد اسلامی چه معنایی دارد.

ممکن است چنین به نظر برسد که اگر روابط اقتصادی (در سطح خرد و در سطح کلان) در یک جامعه که افراد آن مسلمان باشند مورد مطالعه قرار گرفته و مدون گردد، علم اقتصاد اسلامی حاصل چنین مطالعاتی است. در این خصوص برخی از اندیشمندان بر این عقیده‌اند که جوامع مسلمان فعلی برای چنین تحقیقاتی کفایت می‌کند. ولی در مقابل برخی از صاحب‌نظران معتقدند که باید احکام و اصول اسلامی و بطور کلی فرهنگ اسلامی در یک جامعه کاملاً حاکمیت یافته و در قلوب مردم رسوخ نموده و مردم در عمل، به آنها ملتزم شوند و بعد روابط اقتصادی چنین جامعه‌ای مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد و در

۱ - محسن اراکی؛ مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصادی اسلامی؛ ج ۱؛ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۳۶۹ - ص ۲۱۹.

2 - Scientific.

۳ - علاقمندان می‌توانند به منابع زیر مراجعه کنند:

عبدالکریم، سروش؛ تفرج صنع؛ تهران: انتشارات سروش؛ ۱۳۶۴.

آلن راین؛ فلسفه علوم اجتماعی؛ ترجمه عبدالکریم سروش؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۶۷.

احمد احمدی؛ وجه تمایز علوم انسانی در اسلام و غرب؛ مجله مدرس؛ شماره ۲، زمستان ۱۳۶۹.

نهایت حاصل چنین پژوهشهایی علم اقتصاد اسلامی خواهد بود.^۱

اما هیچ کدام از دو نظر فوق در این رساله مورد نظر نیست، بلکه راه دیگری انتخاب شده است که روشی قیاسی است. در این روش جامعه‌ای مفروض در نظر گرفته می‌شود که در آن افراد بر اساس دستورات و احکام اسلام عمل می‌کنند و بر اساس پذیرش این فرض به صورت قیاسی در پی یافتن تئوریهایی خواهیم بود که از لحاظ تئوریک بتواند رفتارهای اقتصادی مردم چنین جامعه‌ای را تفسیر و تحلیل کند. ممکن است گفته شود که این چنین شیروی خدا هم نافرید، شما چگونه چنین روشی را علمی می‌دانید و حاصل آن را علم اقتصاد اسلامی؟ در واقع پاسخ این سؤال به مناقشات و مباحثاتی که در مورد علمی بودن علوم انسانی و تفاوت آنها با علوم طبیعی وجود دارد، بازگشت می‌کند و چنانکه یادآور شدیم ورود در این مباحث از حد این رساله خارج است. بنابراین ما چنین روشی را به عنوان اصل موضوع مورد توافق قرار می‌دهیم.

۱-۲- جایگاه ارزشها در نظریات اقتصادی

برای اینکه جایگاه ارزشها در نظریات اقتصادی تا حدودی آشکار شود، ابتدا مراحل مختلف یک نظریه اقتصادی را بیان می‌کنیم و سپس به روابط اقتصادی مورد استفاده در مدل‌های اقتصادی اشاره خواهیم نمود.

۱-۲-۱- مراحل نظریه اقتصادی

یک نظریه اقتصادی به طور کلی سه مرحله را در بر می‌گیرد:^۲

۱- فرض؛ اصل موضوع یا ایده‌ای که انگیزه یک رفتار یا هدف یک عمل اقتصادی را نشان می‌دهد. این اصل ممکن است از مکتب، عادات فرهنگی، قیاس یا استقراء منطقی رفتارهای مورد مطالعه، و یا از تجربه عملی یعنی از نظریات معتبر علمی سرچشمه گرفته باشد. اگر چه صحت اخذ این اصول از فرهنگ،

۱- محمد باقر الصدر؛ اقتصادنا؛ بیروت: دارالتعارف المطبوعات؛ ۱۴۰۲ ه.ق. ص ۳۲۴.

2 - E.Silberberg; The Structure of Economics; London; Magrawhill; 1981.

به نقل از سید کاظم صدر؛ روش تحقیق در اقتصاد اسلامی؛ مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصادی، ج ۱؛ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۳۶۹.

مکتب،... مهم و سرنوشت ساز است، اما اقتصاددانان به عنوان یک عالم اقتصادی می‌تواند به صحت اخذ این اصول از سرچشمه آنها عنایتی نداشته و بلکه آنها را به عنوان اصول موضوع قلمداد کند. اینکه مصرف کننده به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت است، یا تولید کننده می‌خواهد سودش را حداکثر کند، یا فروض بازار رقابت کامل و یا سایر بازارها، اینکه کارگران به دستمزد پولی اهمیت می‌دهند، یا دستمزد واقعی را در نظر دارند،... اینها همه مواردی از این مرحله از نظریه اقتصادی است که هر کدام ممکن است از فرهنگ، عادات، منطق، استقراء،... اتخاذ شده باشد.

بنابراین در نظریات اقتصاد اسلامی باید به مکتب اسلام و فرهنگ اسلامی مراجعه نمود. فرهنگ اسلامی یعنی اعتقادات اسلامی، احکام، قوانین و مقررات اسلامی، اخلاق اسلامی، عرف و عادات مسلمانان که مخالف با اصول اسلامی نباشد، می‌تواند به عنوان سرچشمه‌های اصول موضوعه مورد استفاده قرار گیرد. البته قیاس و استقراء و استفاده از تجربه‌های عملی در صورتی که دقت کافی در مورد اعتبار و تعمیم آنها اعمال شود، در الگوی اسلامی نیز قابل استفاده است. اقتصاد دان معمولاً در تمامی موارد مذکور تخصص ندارد. بنابراین می‌تواند در این موارد از متخصصین مربوط استفاده کند و نتایج تحقیقات آنها را به عنوان اصل موضوع بپذیرد. اما هنر یک نظریه پرداز اقتصادی آن است که بتواند از دریای بیکران معارف الهی، احکام، قوانین و مقررات، عرف و رویه مقبول مسلمانان مواردی را گزینش کند که او را در ارائه یک الگوی منطقی و قابل مشاهده و آزمون یاری دهد.

۲- مرحله دوم نظریه، ارائه یک رابطه قابل مشاهده و آزمون براساس اصول موضوعه است.
رسالت اصلی اقتصاددانان از همین الگو سازی برای ارائه یا استخراج رفتارهای قابل مشاهده و تطبیق با واقعیات خارجی آغاز می‌گردد. اقتصاددان برای این منظور می‌تواند از الگوهای ریاضی یا منطقی استفاده کند. الگوی بازار رقابت کامل، استفاده از نظریه بازیها برای بازارهای رقابت ناقص، استفاده از بهینه سازی ریاضی برای ارائه بهینه مصرف یا تولید، استفاده از الگوی IS-LM در اقتصاد کلان نمونه‌هایی از این قبیل است.

آنچه در این بخش حائز اهمیت بسزایی است قابل آزمون بودن روابط ارائه شده است. به عبارت دیگر حوادث خارجی در جهت موافق آنچه نظریه پیش بینی نموده است اتفاق افتاده و آن را تایید کند و یا بر عکس خلاف آن رخ داده و نظریه را تکذیب کند. استفاده از الگوی ریاضی برای دستیابی به این هدف

است. مثلاً اگر کسی بگوید: اگر کالای X گران شود مردم آن را خریداری نخواهند نمود، رابطه‌ای غیر قابل آزمون ارائه کرده است. چرا که اگر مردم بخرند، می‌توان ادعا کرد که گران نبوده است و اگر مردم نخریدند می‌توان ادعا نمود که گران بوده است. ولی اگر گفته شود: اگر قیمت کالای X یک واحد افزایش یابد تقاضای آن در فلان جامعه و شرایط ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت، رابطه‌ای آزمون پذیر بیان شده است. به همین منظور استفاده از الگوهای ریاضی در علوم انسانی بویژه در اقتصاد گسترش یافته است.

در اقتصاد اسلامی نیز اقتصاددان بر اساس اصول موضوع متخذ از مکتب و فرهنگ اسلامی باید روابطی ارائه نماید که کنش و واکنشهای رفتار اقتصادی مسلمانان را تحلیل و تفسیر نمود. و در عین حال قابل آزمون هم باشد. اگر چه اقتصاد دان می‌توانست مرحله اول نظریه را به عنوان اصل موضوع بپذیرد ولی ارائه روابط قابل آزمون در این مرحله باید با استدلال و برهان همراه باشد، که می‌تواند بدیهیات عقلی، برهانهای ریاضی، منطقی یا آمیزه‌ای از اینها باشد. اهمیت این مرحله از نظریه در ارائه الگوهایی است که قدرت تحلیل، تفسیر و پیش بینی بیشتر و مطابق تر با واقع را داشته باشد. قدرت تحلیل، تفسیر و پیش بینی هر چه دقیق تر نظریات هم برای واحدهای اقتصادی یک جامعه حائز اهمیت است و هم برای افراد و خانوارها. گذشته از اینها برای برنامه ریزها و اتخاذ تدابیر اقتصادی در جهت اداره جامعه نیز دارای اهمیت بسیاری است. البته استفاده از الگوهای اقتصادی برای ارائه پیشنهادات سیاستی نیاز به دقت و نکته‌سنجی‌های فوق‌العاده‌ای دارد که این مقال در پی آن نیست.

۳- در مرحله سوم نظریه مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد. در این مرحله اطلاعات مربوط به پدیده مورد مطالعه با روشهای معتبر آماری جمع‌آوری می‌شود، سپس واقعه استنباط شده یا پیش بینی شده از الگو، با پدیده خارجی مورد آزمون قرار می‌گیرد. چنانچه پدیده خارجی مطابق با پیش بینی نظریه باشد، نظریه تایید می‌شود، و در غیر این صورت نظریه تکذیب می‌گردد. در این مرحله محقق باید هر یک از مراحل آزمون را به دقت کنترل و رسیدگی کند، شرایط مورد مطالعه را با فروض نظریه تطبیق دهد، روشهای آماری و اقتصادی را کنترل نماید،... و بالاخره دقتهای فراوانی نموده تا مشخص گردد که آیا نظریه قدرت تحلیل و تفسیر پدیده را ندارد، یا تعمیم نظریه به شرایط مورد مطالعه صحیح نیست. اما در هر صورت تکذیب یا تایید نظریه به وسیله پدیده خارجی و آزمون تجربی هرگز دلیل صحت یا نادرستی اصول موضوع نظریه مورد مطالعه نیست. دستیابی به صحت و سقم اصول موضوع در گرو روشی است که متناسب با منشأ اخذ آن اصول باشد.

برای دستیابی به اهداف این مرحله اقتصاد دان از آمار ریاضی استفاده می‌کند و به همین جهت شاخه اقتصادسنجی در اقتصاد گسترش یافته است از آنچه تاکنون گفته شد آشکار می‌شود که اقتصاد اسلامی به معنایی که ما بکار گرفته ایم یعنی تحلیل روابط اقتصادی بر اساس نظریاتی که اصول موضوع آنها از فرهنگ اسلامی گرفته شده باشد. ضمناً باید براین نکته تاکید نمود که آنچه در این رساله دنبال می‌شود بخش اول و دوم از نظریه اقتصادی است، یعنی بیان برخی از اصول موضوع مربوط به مباحث این رساله و ارائه روابطی آزمون پذیر بر اساس آن اصول، اما مرحله سوم نظریه یعنی آزمون تجربی نظریات ارائه شده در این رساله مورد نظر نیست که آن نیاز به تحقیقات مستقلی دارد.

۱-۲-۲- روابط اقتصادی (معادلات رفتاری)

چنانکه گفته شد، اقتصاددان برای تحلیل پدیده‌های اقتصادی از الگوسازی استفاده می‌کند، و با استفاده از آن روابط بین متغیرهای اقتصادی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. اما روابط مورد استفاده در الگو را در یک تقسیم بندی کلی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:^۱

۱- معادلات رفتاری: این معادله‌ها رفتار افراد یا گروهها را در اقتصاد توضیح می‌دهند. روابط رفتاری ممکن است رفتارهای اقتصادی خانوار، دولت، بنگاه یا هر سازمان دیگری را توصیف کند. توابع مصرف، پس انداز، سرمایه گذاری، تقاضای پول، نمونه‌هایی از این روابط در اقتصاد کلان است. اصول موضوع متخذ از مکتب، فرهنگ، عادات، قیاس، استقراء،... پیش از همه در این قبیل روابط نمود می‌یابد، چراکه این روابط می‌خواهد رفتار افراد یا گروهها یا گروه خاصی را توضیح دهد. و البته تردیدی نیست که اگر چه بسیاری از رفتارها در جوامع و فرهنگهای مختلف ممکن است مشابه باشد، اما در بسیاری موارد نیز ممکن است تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد، حتی در صورت مشابهت چه بسا انگیزه و هدف آنها یکسان نباشد. از اینجا است که حتی در یک جامعه نیز رفتارها در زمانهای مختلف لزوماً یکسان باقی نمی‌ماند. از اینها گذشته، چون هر نظریه بر اساس فروض خاصی شکل می‌گیرد لذا معمولاً نظریات با تجرید واقعیات از پیچیدگیهای جهان واقع همراه است، چراکه محقق از بین جهات متعدد و بسیاری که هر

۱- عباس، عرب مازار؛ اقتصاد سنجی عمومی؛ تهران: انتشارات کویر؛ ۱۳۶۹، ص ۱۷.